



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# نقش زنان در نهضت حسینی

فاطمه جهانبخش زاده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نقش زنان در نهضت حسینی

نویسنده:

فاطمه جهانبخش زاده

ناشر چاپی:

موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	نقش زنان در نهضت عاشورا
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	راز همراهی زنان در کاروان
۸	نقش‌های زنان در نهضت عاشورا
۸	تبیین حقیقت قیام
۹	تعیین حد فداکاری در راه دین
۹	گریه و ناله
۹	اسیری بانوان
۱۰	ابعاد حضور زنان در نهضت عاشورا
۱۰	اشاره
۱۰	مشارکت زنان در جهاد
۱۰	آموزش صبر
۱۰	پیام رسانی
۱۰	پرستاری
۱۱	حفظ ارزش‌ها
۱۱	عمق بخشیدن به بعد عاطفی و تراژدیک کربلا
۱۱	زنان نهضت عاشورا
۱۱	اشاره
۱۱	زینب کبری
۱۱	ام وهب
۱۲	ام البنین

- ۱۲ ..... فاطمه کبری
- ۱۲ ..... دلهم
- ۱۳ ..... شهربانو
- ۱۳ ..... ام خلف
- ۱۳ ..... رباب
- ۱۳ ..... ام عمرو
- ۱۴ ..... فکیمه زوجه عبدالله بن اریقظ
- ۱۴ ..... ام اسحاق
- ۱۴ ..... ام کلثوم
- ۱۴ ..... ام کلثوم
- ۱۴ ..... فاطمه صغری
- ۱۴ ..... لیلی بنت مسعود
- ۱۴ ..... پیام رسانی زینب
- ۱۵ ..... نتیجه
- ۱۶ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## نقش زنان در نهضت عاشورا

## مشخصات کتاب

عنوان: نقش زنان در نهضت عاشورا

پدیدآورندگان: فاطمه جهانبخش زاده (پدیدآور)

نوع: متن

جنس: مقاله

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع)

توصیفگر: قیام عاشورا

زینب (س)، بنت علی (ع)، ۶-۶۲ق.

نوازندگان

وضعیت نشر:

ویرایش: -

مشخصات فیزیکی: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۷ بایگانی: ۵۲.۳KB)

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ملزومات نظام: ویندوز ۹۸+ با پشتیبانی متون؛ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وب؛ عنوان از روی صفحه عنوان

نمایش، فاطمه جهانبخش زاده

شناسه: [oai.lib.ahlolbait.ir/parvan/resource/50850](http://oai.lib.ahlolbait.ir/parvan/resource/50850)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۸/۹/۱

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۹۰/۱/۱۶

تاریخ ثبت: ۱۳۹۰/۹/۲۷

قیمت شیء دیجیتال: فاقد شیء دیجیتالی

## مقدمه

حدود ۱۴۰۰ سال پیش در سرزمینی به نام کربلا، در میان ریگ‌زارهای خشک و بدون حیات، واقعه‌ای شکل گرفت که با درخشش خود به ابدیت پیوست؛ «واقعه عاشورا»، رهبر آن کسی جز «حسین بن علی» نبود، حسینی که آیین ظلم و ستم را درهم کوبید. امام حسین (ع) برای نجات انسان‌ها به پاخواست و قیام کرد و در این راه حتی خاندان خود را هم به استقبال شهادت فرستاد. در کاروان حسین فقط یک عده سرباز نظامی شرکت نداشت، بلکه کاروانی عاشق بودند از زن و مرد، پیر و جوان، کودک و بزرگسال، که ماجرای فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های هر کدام در تاریخ به جا مانده است. به راستی امام حسین خوب می‌دانست که از مجرای تجهیزات نظامی، قدرت درهم کوبیدن آن دستگاه پر قدرت و جبار را ندارد، ولی نقشه امام حسین (ع) برای رسیدن به هدف والای خود، چیز دیگری بود. نقشه او، به تصویر کشیدن فداکاری و جانبازی و شجاعت افراد کاروان بود و شعار آنها «هیئات من»

الدَّله». در این میان، اگر نبود صبر و بردباری زنان هنگام مصائب و داغ عزیزان شان و اگر نبود پشتیبانی و حمایت همه جانبه (لفظی و عملی) آنان از همسران و فرزندان خود و تشویق آنان به حمایت از مولای خود تا سر حد جان، عاشورا به کجا می‌انجامید؟ راستی نهضت عاشورا را بدون رشادت‌ها و شجاعت‌ها و بردباری‌های بزرگ بانوی کربلا، «زینب»، چگونه می‌توان وصف نمود؟ آن گاه که زنان با احساسات خود به فرزندان و همسران‌شان روحیه می‌دادند و پرستاری مهربان بر بالین آنها بودند و با سخن و ناله و زاری‌شان لرزه بر اندام دشمنان می‌انداختند، نادیده نمی‌توان گرفت. ما نیز به منظور تبیین هرچه بیشتر نقش زنان در نهضت عاشورا در این مقال به بررسی و تحقیق در لا به لای صفحات تاریخ کربلا پرداخته‌ایم تا شاید بتوانیم در این سال، عزت و سربلندی زنان نهضت عاشورا را دریابیم و پوینده راه پر افتخار آنان باشیم.

## راز همراهی زنان در کاروان

با توجه به نبوغ و علم و مهارتی که امام در اوضاع سیاسی اسلام داشت؛ از روی نقشه صحیح و مجرای طبیعی، شروع به مبارزه کرد و هر چیزی که در پیشرفت مقصودش مؤثر بود، به کار بست. مؤثرترین عاملی که در پیشرفت هدف امام حسین دخیل بود، همراه آوردن و شرکت زنان در این نهضت عظیم دینی بود. اگر امام حسین با یک عده از یاران و وابستگان خود به کوفه می‌رفت و شهید می‌شد، بلافاصله دستگاه‌های تبلیغاتی بنی امیه که در همه جا آماده و مجهز بودند و تمام پیشامدها را به نفع آنان توجیه می‌کرد، به کار می‌افتادند. بر اثر تبلیغات سوء بنی امیه، مردم این قیام و جنگ را از جنگ‌های معمولی میان اعراب تلقی می‌نمودند و سر و صداها در مدت کمی خاموش می‌گشت و باز بنی امیه در کرسی سلطنت قرار می‌گرفت و بر مبنای مرام خود عمل می‌کرد، اما شرکت بانوان در این قیام، نگذاشت نقشه شوم بنی امیه عملی شود. مرحوم آیتی اصرار دارد که اهتمام زنان اهل بیت به خطبه و خطابه در فرصت‌های مختلف، با بودن امام علی بن الحسین، همه برای این بوده که مانع تحریف حادثه کربلا شوند (چه لفظی و چه معنوی). متن آن‌چه واقع شده بود را به صورت خطبه و خطابه بیان کردند و هدف امام را هم تشریح کردند. راز مطلب این است که حسین می‌خواهد از راه شهادت، ماده‌ای تهیه کند که با تبلیغ روی آن، برای ابد دستگاه اموی را رسوا سازد و آیین ظلم و ستم آنان را محکوم نماید. مرگ و شهادت رکن اساسی و هسته مرکزی نقشه حسین است، اگر صحنه لرزاننده کربلا به وجود نیاید، زینب کبری و زین العابدین با کدام سرمایه می‌توانند قدم در راه تبلیغ گذارند و با کدام حربه می‌توانند پیکر ظلم اموی را در هم کوبند. حسین می‌رود تا با جانبازی پرشکوه خود، این سرمایه را تهیه کند، می‌رود تا با ایجاد یک صحنه شکننده، حربه لازم را به دست زینب و بازماندگان خود بسپرد. به همین دلیل است که او خود تنها در این راه نمی‌رود، بلکه زنان و کودکان و جمیع بستگانش را نیز به همراه می‌آورد. به او گفتند: ای حسین، اکنون که خود عازم این سفر هول‌انگیز و خطرناک هستی، چرا کودکان و زنان را با خود می‌بری؟ محمد حنفیه، با چشمانی اشکبار اصرار می‌ورزید که حسین از بردن زنان و کودکان خودداری کند، ولی حسین به همه یک جواب می‌داد و می‌فرمود: «نه، آنها نیز باید در این مسافرت با من باشند، خداوند خواسته آنان نیز لباس اسارت به تن داشته باشند.» آری باید یک کاروان اسیر به راه افتد و در لباس اسارت، درباره قتل حسین تبلیغ کند و کوفه و شام را منقلب نماید.

## نقش‌های زنان در نهضت عاشورا

### تبیین حقیقت قیام

قیام و مسافرت امام حسین از مکه به سوی کوفه، برای جنگ با بنی امیه نبود، بلکه برای نهدی از منکر، تغییر بدعت‌ها، اصلاح کار



امت و آشکار ساختن حق و حقیقت بود. همراه آوردن بانوان، نظر به اوضاع و احوال و عوامل طبیعی آن روز، این مطلب را تأیید می‌کند که حرکت امام حسین از حجاز به سوی عراق به سبب دعوت‌نامه‌هایی بود که رجال بزرگ اهل کوفه به او نوشته بودند و خواستار سفر امام به کوفه بودند بر حسب وظیفه دینی به دستیاری و تشریک مساعی اهل کوفه، احکام و حقایق اسلام را ترویج کنند. وجود بانوان در این مسافرت حاکی از آن بود که حضرت، دعوت کوفیان را از صمیم دل قبول کرده و با زن و فرزند به طرف آنها رهسپار گردیده است و خیال حيله و دورنگی و فرار در کار نبوده است. این معنی در تهییج اشخاصی که به وعده‌های خود وفا نکردند، اثر مهمی داشت.

### تعیین حد فداکاری در راه دین

طبق آیات و روایات مختلف، مسلمان در راه دین و حفظ آن باید از مال و جان خویش بگذرد. امام حسین عملاً این مطلب را به عموم مردم تعلیم داد. برای این که فطرت بشری طوری آفریده شده که در بیشتر وقت‌ها از جانبازی و کشته شدن خود چندان وحشتی ندارد، اما هنگامی که متوجه شد در صورت تسلیم نشدن، زن و بچه‌اش گرفتار خواهند شد، در برابر دشمن تسلیم می‌گردد و اعتذار می‌نماید. امام حسین در کربلا در شرایط سختی قرار گرفته بود. او و خانواده‌اش، با یاران کم و نبودن آب و آذوقه، در میان سی هزار دشمن محاصره شده بودند. ناله و پریشانی خواهران و دخترانش او را متأثر می‌سازد و مکرر از طرف دشمن به او تسلیم شدن در برابر یزید پیشنهاد می‌شود. با این همه تا آخرین لحظه، عزت و شهادت خود را حفظ کرد، به خواری و ننگ، تن نداد و در برابر ستمکاران سر تسلیم فرود نیاورد. روز عاشورا که به تدریج نشانه‌های گرفتاری بانوان ظاهر می‌شد، آنان را به صبر دعوت می‌کرد و به ثواب اجرهای پروردگار امیدوار می‌ساخت. امام حسین با این رفتار و گفتار، ارزش و اهمیت دین را بیان نمود و به تمامی مسلمانان درس دینداری داد.

### گریه و ناله

خاندان امام حسین در جاهای مختلف و حساس طوری ناله و گریه نموده‌اند که حتی دشمنان را هم منقلب و متأثر ساخته‌اند. این گریه‌ها آن روز مانند شعله سوزانی بود که بر خرمن هستی و کاخ‌های بیداد حکومت بنی امیه می‌افتاد و نابودش می‌کرد. شهادت امام حسین و یاران وی با آن وضع رقت بار، آنقدر مردم را متأثر نمی‌کرد که ناله‌ها و گریه‌های بانوان، مردم را تحت تاثیر قرار می‌داد. ناله و گریه بانوان در روز عاشورا، مجلس ابن زیاد و یزید و سایر جاها پس از واقعه کربلا گویای یک نسیم جان‌افزا و حیات بخشی بود که هر ساعت بر پیکره این نهضت عظم می‌دمید، بر افروخته‌تر می‌کرد و درهمه جا آن را زنده نگه می‌داشت و نمی‌گذاشت نفوذ بنی امیه آن را از بین ببرد و بی اثر نماید. در شهر کوفه، شام، مدینه و بین راه‌ها با گریه‌ها و ناله‌های جان سوز خود، طوری شهادت و واقعه عاشورا را مجسم می‌ساختند، گویا مردم آن واقعه اسف بار را دیدند.

### اسیری بانوان

موضوع اسیری آل پیامبر پس از کشتن عزیزانشان آن روز نظر تمامی مسلمانان کاری بود برخلاف منطق دین و قرآن، مخصوصاً با آن وضع رقت بار. شکنجه و فشاری که در کربلا در راه‌ها و در شهر شام به آنان روا داشتند. دیگر بنی امیه نتوانست روی این عمل خلاف دین و قرآن خود، پرده‌پوشی کند، در نتیجه، دشمنی آنان با پیامبر و فرزندانش، قرآن و اسلام، جلوی چشم همه مردم آشکار شد. مسلمانان به تدریج حساب آنها را از اسلام و قرآن جدا کردند. بانوان هم موضوع اسیری خود را با لحن انکار و اعتراض به کارهای بنی امیه در جاهای متعدد ذکر می‌نمودند و مردم را منقلب می‌کردند. هنگامی که اهل شام از اهل بیت عصمت پرسیدند:

شما کیستید؟ سکینه دختر امام حسین فرمود: «ما اسیران آل محمد هستیم». در مجلس یزید، فاطمه دختر امام حسین صدا زد: ای یزید دختران رسول خدا اسیر باشند؟ بر اثر این سخن حاضران و خانواده یزید در پس پرده صدایشان به گریه بلند شد. شکی نیست این نوع تأثرات برای اسیری آل پیامبر، خشم و نفرت مردم را بر امویان برانگیخت و حکومت آنها را در نظر مردم منفور و متزلزل ساخت و آنچه در کربلا، در کوفه و در مسیر شام به وقوع پیوست، سودمندترین تبلیغ بر ضد بنی امیه بود. شیخ بهایی می‌نویسد: هنگامی که زنان اسیر وارد منزل شدند، زن‌های آل ابی سفیان با چشمان پر از اشک از آنان استقبال کردند و دست‌های آنان را بوسیدند و سه روز همراه آنان به سوگواری پرداختند.

## ابعاد حضور زنان در نهضت عاشورا

### اشاره

با نگاهی به تاریخ عاشورا، مشاهده می‌شود که زنانی که در صحنه‌های کربلا حضور داشتند با به عهده گرفتن نقش‌های گوناگون، این نهضت را ماندگار کردند. در واقع درس‌های آموزنده این نهضت که بانوان فداکار آن را عرضه کردند، هر کدام این واقعیت را آشکار می‌کند که نیمی از تاریخ وقایع عاشورا را زنان به دوش کشیده‌اند. از جمله ابعاد آموزنده این حضور می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

### مشارکت زنان در جهاد

شرکت در جبهه پیکار و همدلی و همراهی با نهضت مردانه امام حسین و مشارکت در ابعاد مختلف آن از جلوه‌های این حضور است. چه همکاری «طوعه» در کوفه با نهضت مسلم، چه همراهی همسران برخی شهدای کربلا، چه اعتراض و انتقاد برخی همسران سپاه کوفه به جنایت‌های شوهرانشان، مثل «زن خولی».

### آموزش صبر

روحیه مقاومت و تحمل زنان به شهادت‌ها در کربلا، درس دیگر نهضت بود. اوج این صبوری و پایداری در رفتار و روحیات «زینب کبری» جلوه گر بود.

### پیام رسانی

افشاگری‌های زنان و دختران کاروان کربلا، چه در اسارت و چه در بازگشت به مدینه، نشانه پاسداری از خون شهدا بود. بانوان در خطبه‌ها و در گفت‌وگوهای پراکنده خویش که به تناسب زمان و مکان بود، امویان را نشانه گرفتند. حضور زنان در همراهی بعضی انبیا و پیامبر خاتم و نهضت عظیم عاشورا نشان می‌دهد که این حضور می‌تواند بار عاطفی را در این گونه حرکت‌ها افزایش دهد، ضمن این که در پیام رسانی در ادامه حرکت نیز مؤثر بوده‌اند.

### پرستاری

رسیدگی به بیماران و مداوای مجروحان از نقش‌های دیگر زنان در جبهه‌ها از جمله عاشورا است. نقش پرستاری و مراقبت حضرت زینب از امام سجاد از این نمونه‌هاست. مدیریت: بروز صحنه‌های دشوار و بحرانی، استعداد افراد را شکوفا می‌سازد. نقش حضرت

زینب در نهضت عاشورا و سرپرستی کاروان اُسرا، درس مدیریت در شرایط بحران را می‌آموزد. وی مجموعه بازمانده را برای اهداف نهضت هدایت کرد و با هر اقدام خنثی کننده نتایج عاشورا از سوی دشمن مقابله نمود و نقشه آنان را خنثی کرد.

### حفظ ارزش‌ها

درس دیگر زنان قهرمان در کربلا، حفظ ارزش‌های دینی و اعتراض به هتک کُرمات خاندان نبوت و رعایت عفاف و حجاب در برابر چشم‌های آلوده است. زنان اهل بیت با آن که اسیر بودند و لباس‌ها و خیمه‌هایشان غارت شده بود و با وضع نامطلوب در معرض دید تماشاچیان بودند؛ اما اعتراض کنان بر حفظ عفاف تأکید می‌کردند. ام کلثوم در کوفه فریاد کشید: «آیا شرم نمی‌کنید برای تماشای اهل بیت پیامبر جمع شده‌اید؟» وقتی هم که در کوفه در خانه‌ای بازداشت بودند، زینب اجازه نداد جز کنیزان، کسی وارد خانه شوند. در سخنرانی خود در کاخ یزید نیز به شهر به شهر گرداندن بانوان اعتراض کرد. تغییر ماهیت اسارت: اسارت را به آزادی بخشی تبدیل کردند و در قالب اسارت به اسیران واقعی درس آزادگی دادند.

### عمق بخشیدن به بعد عاطفی و ترازدیک کربلا

گریه‌ها، شیون‌ها، عزاداری بر شهدا و تحریک عواطف مردم به ماجرای کربلا عمق بخشید و بر احساسات نیز تأثیر گذاشت و از این رهگذر ماندگارتر شد.

### زنان نهضت عاشورا

#### اشاره

زنانی که در نهضت عاشورا و در صحنه‌های گوناگون آن شرکت داشتند، عبارت انداز:

#### زینب کبری

زینب از زنان کربلاست که به «ام المصائب» معروف است. او به برادرش علاقه بسیار داشت و شوهرش یکی از متمولین عرب بود. بردباریش مانند امام حسن (ع) و شجاعتش مانند امام حسین بود. همانا جبرئیل که به پیامبر پیام آورد که نام این دختر را زینب بگذار، گریان گردید. وقتی پیامبر سب گریه را پرسید، عرض کرد: این دختر از آغاز زندگی تا پایان روزگار ناپایدار، بی رنج نخواهد زیست. گاهی به درد مصیبت تو مبتلا و گاهی در غم پدر و زمانی به درد فراق برادرش حسن دچار خواهد بود. افزون بر آن به مصائب کربلا و نوائب دشت نینوا گرفتار می‌شود و چندان که مویش سفید و قامتش تا خواهد شد. آن وقت فاطمه عرض کرد: «یا ابتاه، چه ثواب دارد آن کس که بر دخترم زینب گریه کند؟» پیامبر فرمود: «ثواب او مثل ثواب کسی است که بر برادرش حسین گریه کند» گویند زینب در زناشویی با عبدالله شرط کرده بود که من به برادرم حسین علاقمندم و باید همه روزه مرا اجازه فرمایی حسین‌ام را زیارت کنم و بر این منوال بود تا حسین مدفون شد.

#### ام وهب

ام وهب زنی مسیحی بود که در دوران امام حسین مسلمان شد. او زوجه عبدالله بن عمیر کلبی بود و با همسرش از کوفه آمدند و به سیدالشهدا ملحق شدند. ام وهب با عمود خیمه به میدان جنگ رفته بود و تا حسین (ع) او را به خیمه برنگرداند، به حرف شوهر نبود.

چون روز عاشورا پیش آمد، ما در وهب او را تحریض به جهاد نمود. وهب ۱۷ روز بود که عروسی کرده بود و هنگام عزیمت به کربلا زوجه‌اش به او گفت: تو را به خدا قسم که مرا در این صحرا بیوه مگذار و جان خویش پاس بدار. مادر وهب گفت: ای فرزند سخن زن را از پس گوش گذار که بی رضای حسین و رضای من از شفاعت جدش بهره‌ای نخواهی برد. لاجرم زن وهب گفت: باشد که چون در راه پسر پیغمبر شهید شوی و در بهشت برین جای کنی و با حورالعین همنشینی نمایی، مرا فراموش فرمایی. واجب است که در حضور امام با من عهد استوار نمایی که در بهشت جدا از من اقامت نمایی. سپس هر دو خدمت حضرت حاضر شدند و حسین چون این را شنید سخت بگریست و مسئلت او را به اجابت مقرون داشت و آن زن را مطمئن خاطر ساخت. بنا بر روایت صدوق در امالی، وهب عمود خیمه را کند و هفت یا هشت نفر را کشت. بعد اسیر شد و عمر بن سعد گفت: سرش را جدا کردند و به جانب لشکر حسین انداختند. مادرش شمشیر وهب را گرفت و مبارزت کرد. امام حسین فرمود: بنشین مادر وهب، خدا جهاد را از زنان برداشت، تو و پسر تو در بهشت می‌باشید با جد من. مادر وهب عمود خیمه را برداشت و دو نفر را کشت و امام حسین او را برگرداند. زوجه وهب رفت که خون از روی آن سرپاک کند. پس شمر او را دید. به غلام خود امر کرد که عمودی بر سر او زد. پس سرش شکست و کشته شد و او اول زنی بود که در لشکر امام حسین (ع) کشته شد.

### ام البنین

فاطمه بنت حزام ملقب به ام‌البنین مادر قمر بنی هاشم بود که اگر چه در زمین کربلا حاضر نبود، اما چهار جوان او در رکاب حسین (ع) شهید شدند و او از ناله و گریه آرام نشد تا به جوار حق پیوست. وقتی خیر شهادت فرزندانش در مدینه به ام‌البنین رسید، گفت: «از امام حسین مرا خبر دهید. فرزندانم و آنچه زیر آسمان کبود است، فدای حسین باد. چرا ابتدا از حال حضرت ابی‌عبدالله مرا مطلع نمی‌سازید؟» این شدت علاقه به امام، تنها دلیل کوچک شمردن شهادت فرزندان خود در برابر شهادت امام حسین بود.

### فاطمه کبری

فاطمه کبری (دختر امام حسین) در علم، عبادت و معنویت مقام بالایی داشت و از زنان مجاهد و نمونه محسوب می‌شد. ایشان همراه همسرش، حسن مثنی (فرزند امام حسن) در کربلا حضوری فعال داشت و شاهد مصائب دردناک عاشورا بود. هنگام هجوم وحشیانه امویان به خیمه‌ها، فاطمه مورد هجوم و غارت قرار می‌گیرد و گوشواره‌هایش را وحشیانه از گوشش درمی‌آورند. این سختی و شکنجه نتوانست از روحیه قوی و شجاعت کم‌نظیر فاطمه بکاهد. او دختر حسین و برادرزاده زینب است. او پیام‌رسان عاشورا است و باید همچون دختر علی پایه‌های کاخ ستمگران را درهم فرو ریزد. از این رو در مرکز قدرت عیدالله (کوفه) با خطبه‌ای غزا ستم بنی امیه را افشا می‌کند و به دنیاپرستان می‌فهماند که خون حسین در رگ‌های فاطمه‌اش جوشان است. پس از عاشورا ولید بن عبدالملک، مروان، همسر فاطمه را مسموم و شهید کرد و فاطمه که شدیداً به همسرش وفادار بود، روی قبر شوهرش خیمه‌ای برپا می‌کند و به مدت یکسال سوگواری می‌کند.

### دلهم

یکی از کسانی که امام حسین از وی دعوت کرد، «زهیر بن قین» است؛ زهیر از کسانی بود که احتیاج داشت، دیگران استعداد پاکی و حق‌طلبی و فداکاری را در وجودش روشن کنند. نخستین گام را امام حسین در این راه برداشت. گام دوم را همسر زهیر، «دلهم» برداشت. هنگامی که (زهیر) از مضمون دعوت سیدالشهدا آگاهی یافت، استقبال نکرد. بلکه قیافه او نشان می‌داد که چندان میلی به رفتن به کربلا ندارد. به خصوص که امام حسین از وی خواسته بود که کسانی را نیز برای پیوستن به لشکر، همراه خویش ببرد. از

همین جا دلهم برنامه خود را آغاز کرد. او به منظور تشویق زهیر، چنین گفت: «سبحان الله! فرزند رسول خدا از تو دعوت می‌کند که به یاری اش بشتابی. اما تو در قبول دعوت او تردید به دل راه می‌دهی! چه می‌شود که سخنش را بشنوی و هرچه زودتر خود را به او برسانی!» زهیر به تشویق این بانوی قهرمان، در سپاه امام حسین با شور و اخلاص جنگید و میمنه سپاه را برعهده گرفت. سرانجام پس از کشتن ۱۲۰ نفر، به شهادت رسید. دلهم، کفنی به غلام زهیر داد که برو آقای خود را کفن کن. غلام که به قتلگاه رسید و بدن امام حسین را برهنه دید، با خود گفت بدن آقای خود را کفن کنم و بدن امام حسین برهنه بماند؟ هرگز چنین کاری نکنم. سپس کفن را بر حسین پوشانید و برای زهیر کفن دیگری تهیه کرد.

### شهربانو

شهربانو زنی از نژاد ایرانی و همسر امام حسین بود. او یکی از بانوان دشت کربلاست که کودکش در دشت کربلا به دست «هانی بن ثبیت» شهید شد. گفته‌اند که در کربلا طفلی از سرپرده برون شد و از وحشت و حیرت به راست نظر کرد. به ناگاه سنگین دلی به نام هانی بن ثبیت او را شهید نمود و گفته‌اند که در وقت شهادت، مادرش شهربانو ایستاده و یارای سخن گفتن و توان حرکت کردن نداشت و مخفی نماند این شهربانو غیر از مادر امام زین العابدین است.

### ام خلف

امّ خلف زوجه مسلم بن عوسجه بود. گویند چون پسر مسلم، پدر را شهید دید مانند شیر شرز به بردمید و خواست به میدان جنگ برود. امام حسین فرمود: «ای جوان پدرت شهید شد تو نیز اگر شهید شوی مادرت چه کند؟» پسر مسلم خواست طریق مراجعت سپارد که مادرش شتاب زده راه برگرفت و گفت: «ای پسر، سلامت نفس را بر نصرت پسر پیامبر اختیار می‌کنی؟ هرگز از تو رضا نخواهم شد و هنگامی که پسر به شهادت رسید، مادر همی فریاد کرد: ای پسر شاد باش که هم اکنون از دستان ساقی کوثر سیراب خواهی شد.»

### رباب

او دختر امرء القیس، شاعر بزرگ عرب و همسر سیدالشهداست. دارای دو فرزند بود، یکی سکینه - عقیله قریش - و دیگری عبدالله - که روز عاشورا در سنین شیرخوارگی در برابر چشمان حسرت زده مادر کشته شد - به دنبال واقعه کربلا، راه اسیری شام را پیش گرفت و سرانجام به اتفاق بازماندگان مصیبت زده حسین، به مدینه برگشت. پس از مراجعت، اشراف قریش به خواستگاری او آمدند؛ لکن همه را جواب گفت. در مدینه هرگز به زیر سقف نرفت و همچنان به یاد همسر گرامی و فرزند دلبندهش سوخت و گداخت تا در گذشت. برخی گفته‌اند: یکسال بر کنار قبر حسین عزاداری کرد، سپس به مدینه بازگشت. رباب یکی از شایسته‌ترین زنان عصر خویش است. مرگ پرافتخار او یک سال بعد از واقعه کربلا اتفاق افتاد. هنگامی که در شام بود، سر حسین را برداشت و در آغوش گرفت و گفت: «ای حسین عزیزم، هرگز تو را که در زیر نیزه‌های دشمن از پای در آمدی، فراموش نمی‌کنم. او را در کربلا به خاک و خون کشیدند. خداوند کربلا را آب ندهد.»

### ام عمرو

ام عمرو بن جناده از دیگر زنان کربلا بود که پسرش را به میدان جنگ فرستاد تا شربت شهادت بنوشد و هنگامی که سرپسرش را به لشکرگاه امام حسین انداختند، آن را به سینه چسبانید و بوسید و گفت: «احسنت ای پسر من و ای مایه روشنی چشم من!» سپس سر

را با تمام غضب به سوی دشمن پرتاب کرد. آن‌گاه عمود خیمه را برگرفت و بر لشکر این سعد حمله برد و دو تن را کشت و به فرمان امام حسین بازگشت.

### فکویه زوجه عبدالله بن اریقظ

فکویه، همسر عبدالله بن اریقظ بود که برای او پسری آورد و او را قارب نامید که در کربلا-شهادت یافت و مادرش نیز با رباب همراه دیگر اسیران به شام رفت.

### ام اسحاق

ام اسحاق دختر طلحه بن عبیدالله و همسر امام حسن مجتبی بود و پسرانش حسین بن حسن و طلحه بن حسن در کربلا-حضور داشتند.

### ام کلثوم

ام کلثوم دختر علی بن ابی طالب، همسر مسلم بن عقیل و مادر عبدالله و محمد دو طفل مسلم بود که همگی در زمین کربلا حاضر بودند. گویند هنگامی که خبر قتل مسلم به حضرت امام حسین رسید، حمیده دختر مسلم را طلبید و دست نوازش بر سر او کشید. ام الثغر: ام الثغر دختر عمرو همسر عقیل بن ابیطالب بود و جعفر بن عقیل از او متولد گردید که هر سه در سرزمین کربلا-حضور داشتند.

### ام کلثوم

دختر عبدالله بن جعفر الطیار و دختر زینب است که با قاسم بن محمد بن جعفر بن ابی طالب ازدواج کرد. و از دیگر زنان کربلاست.

### فاطمه صغری

فاطمه صغری بنت الحسین، دختری کوچک بود که به سند تاریخ، چون حسین را شهید کردند و فاطمه از شهادت پدر آگاه شد، به زاری و سوگواری پرداخت.

### لیلی بنت مسعود

لیلی دختر مسعود، بانوی حرم امیرالمؤمنین بود که پسرش عبدالله اصغر در رکاب سیدالشهدا شهید شد.

### پیام رسانی زینب

وقتی امام حسین از مدینه به مکه و از آن‌جا به کربلا آمد، زینب همراه برادرش بودو در واقع سرپرست بانوان و کودکان بود و تا آخرین توان در این سفر به برادر و نهضت برادرش کمک کرد. با این‌که در سن ۵۵ سالگی بود، بزرگترین و سخت‌ترین مصائب را در راه به ثمر رساندن اهداف عالی برادرش امام حسین تحمل نمود. بانوان حرم، به خصوص خواهرش ام کلثوم و دختر برادرش

سکینه و همسر برادرش رباب نیز کمال تحمل و استقامت را کردند. زینب دو فرزندش محمد و عون را با خود به کربلا آورده بود و این دو نوجوان در راه حسین به شهادت رسیدند. چون کوهی استوار در برابر حوادث، ایستادگی کرد. اگر گریه می‌کرد، گریه‌اش فریاد بر ضد ظلم بود. فریاد بیداری بود. او پیام‌آور خون شهیدان بود، و گرنه به ابن زیاد نمی‌گفت: «جز زیبایی و سعادت، چیز دیگری ندیدم». او حتی وقتی به مدینه بازگشت، در هر فرصتی پیام شهیدان کربلا را به مردم می‌رساند. در عصر روز یازدهم (محرم) که اسرا را آوردند، وقتی به قتلگاه رسیدند، همه بی‌اختیار خودشان را از روی مرکب‌ها به روی زمین انداختند. زینب خودش را به بدن مقدس ابا عبدالله می‌رساند و آن را به وضعی دلخراش می‌بیند. بدنی بی‌سر و لباس. آن چنان ناله کرد که اشک دشمن جاری شد. مجلس عزای حسین را برای اولین بار زینب ساخت، ولی در عین حال از وظایف خودش غافل نیست. پرستاری زین العابدین به عهده اوست. نگاه کرد به زین العابدین، دید حضرت که چشمش به این وضع افتاده، آن چنان ناراحت است، گویی می‌خواهد قالب تهی کند. فوراً بدن ابا عبدالله را رها کرد و آمد سراغ امام زین العابدین: «پسر برادر! چرا تورا در حالی می‌بینم که می‌خواهد روح از بدنت پرواز کند؟» امام فرمود: «عمه جان! چطور می‌توانم بدن‌های عزیزان خودمان را ببینم و ناراحت نباشم؟» زینب در همین شرایط شروع می‌کند به تسلیت خاطر دادن به امام. آینده این جا کعبه اهل خلوص خواهد بود. زینب برای امام زین العابدین روایت می‌کند. روز دوازدهم (محرم) اسرا با طبل و شیپور وارد کوفه شدند و سرهای مقدس را به استقبال آنها بردند. در یک موقع خاصی زینب موقعیت را تشخیص می‌دهد و اشاره کرد، عبارت تاریخ این است: «وَقَدْ أُوْمَاتِ إِلَى النَّاسِ أَنْ اسْكُنُوا فَارْتَدَّتِ الْإِنْفَاسُ وَ سَكُنَتْ الْأَجْرَاسُ؛ یعنی در آن هیاهو و قلقله که اگر لهله می‌کردند صدایش به جایی نمی‌رسید، گویی نفس‌ها در سینه حبس شد و صدای زنگ‌ها و هیاهو خاموش شد، مرکب‌ها هم ایستادند.» در کوفه ۲۰ سال پیش علی خلیفه بود. هنوز در میان مردم خطبه خواندن علی ضرب المثل بود. راوی گوید: گویی علی زنده شده و سخن او از دهان زینب می‌ریزد. زینب در کوفه خطبه‌ای قرائت نمود: «ای اهل کوفه قبیح باد روهای شما، چه پیش آمد شما را که از نصرت حسین دست برداشتید تا این که او را شهید کردید و اموال او را غارت کردید؟ اف بر شما، آیا می‌دانید خون طاهری را ریختید و کسی را کشتید که بهتر از همه جهانیان بود؟ مادرهایتان به عزایتان بنشینند که به زودی جزا خواهید شد به آتشی که خاموش شدنی ندارد. من تا زنده هستم بر برادرم می‌گیرم و بعد از این، چشم‌هایم به اشکی که چون سیل جاری به صورت متراکم می‌باشد، خشک نخواهد شد.» سپس بانگ بر اهل کوفه زد: «صدقه بر ما اهل بیت روا نیست. ای اهل کوفه مردان شما، مردان ما را می‌کشند و زنان شما بر ما گریه می‌کنند. فردای قیامت خداوند متعال میان ما و شما حکم خواهد فرمود.» این سخنان که با عبارت‌های شیوا از دلی سوخته برمی‌آید، همه را دگرگون کرد به گونه‌ای که شنوندگان دست‌ها را بر دهان نهاده و دریغ می‌خورند. واکنش مردم کوفه چنان بود که راوی می‌گوید: به خدا قسم مردم کوفه را در آن روز دیدم که بهت زده اشک می‌ریختند و از شدت اندوه، دست‌ها را بر دهان گرفته و انگشتان خود را می‌گزیدند. ویژگی‌های زینب در ماجرای کربلا بسیار است. مهم‌ترین ویژگی‌های او را می‌توان در سه موضوع زیر خلاصه نمود: ۱- تا برادرش امام حسین بود، یگانه حامی او بود و بعد از او از حجت خدا امام سجاد، حمایت کرد و در چندین مورد نگذاشت او را به قتل برسانند و خود را سپر او کرد. ۲- او سرپرست یتیمان و بانوان بی‌سرپرست بود و تا آخرین لحظه از آنها حمایت کرد. حتی جیره آب خود را برای کودکان می‌گذاشت و در عین حال نماز شبش ترک نمی‌شد. ۳- او پیام‌آور خون شهیدان بود. در کوفه و شام و مدینه و هر جایی که فرصت به دست می‌آورد از شهیدان و آرمان‌های مقدس آنها می‌گفت و هدف قیام امام حسین را مشخص می‌کرد و مردم را بیدار می‌نمود. خطبه غزای او در کوفه و شام عجیب صدا کرد. یزید را به لرزه انداخت و او را با کوبنده‌ترین مطالب در برابر جمعیت محکوم ساخت، به طوری که او در ظاهر اظهار پشیمانی کرد و جنایت را بر گردن عییدالله بن زیاد می‌انداخت.



با بررسی‌هایی مختصر در تاریخ عاشورا، می‌توان گفت که در این نهضت عظیم هرچند یزیدیان، سپاه امام حسین (ع) را به قتل رساندند، ولی تا این مرحله فقط نیمی از نقشه امام حسین اجرا شده بود و نیم دیگر آن، تبلیغ روی واقعه عاشورا و رسوایی دستگاه‌اموی بود. این وظیفه مهم و خطیر را چه کسانی باید انجام می‌دادند، جز بازماندگان کاروان سیدالشهدا بازماندگانی که اکثر آنها اطفال و زنان بودند. گرچه این زنان از ابتدا که همسران و فرزندان عزیز خود را تشویق به جهاد در برابر سپاه کفر و حمایت از مولای خود می‌کردند و از همان هنگام که از مجروحان جنگ پرستاری و دلجویی می‌کردند و به آنها در جهت ادامه نبرد علیه باطل نیرو و روحیه می‌دادند، در این نهضت نقش داشتند. بعد از واقعه عاشورا، اسیران با زبان گویا و نافذ خود و با شرح وقایع و مصیبت‌های کربلا، رسوایی بزرگی برای خاندان بنی امیه به بار آوردند! تبلیغاتی که بزرگ بانوی کربلا، زینب (س) روی واقعه عاشورا با خطابه‌های آتشین خود انجام می‌داد، موجی از خشم و نفرت به سوی دودمان اموی سرازیر می‌ساخت و افکار مردم را آماده انقلاب می‌نمود. جاودانگی عاشورا، پس از چهارده قرن حاصل کار همین بانوان بازمانده بود که نگذاشتند این واقعه در صحرای خشک و سوزان کربلا دفن شود و فراموش شود و یا از یاد برود. زیرا «تاریخ کربلا یک تاریخ مذکر - مؤنث است. حادثه‌ای که مرد و زن هر دو در آن نقش داشته‌اند ولی مرد در مدار خودش و زن در مدار خودش». انقلاب اسلامی مردم ایران نیز نمونه همان نهضت عاشورا بود که زنان فداکار بسیاری در آن نقش داشتند. از این رو پس از پیروزی انقلاب یکی از وظایف زنان جامعه این است که با الگوگیری از زینب و رشادت‌های او و سایر بانوان کربلا، همواره یگانه‌حامی انقلاب و خون‌های شهدا باشند و عزت و افتخاری را که حاصل خون هزاران شهید پیرو امام حسین می‌باشد، قدر بدانند و حفظ نمایند.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
 جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)  
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث‌های بی محتوا در تلفن‌های همراه و رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به



محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

